

قبل از شیوع کووید-۱۹ هم مشاهده می شد که جمع های دوستانه در کافه ها حضور پیدا می کردند و در فضای آن با هم بازی می کردند؛ بازی هایی مثل «مافیا» و «پانتومیم» در خیلی از کافه ها انجام می شود و افراد داخل کافه با هم بازی می کنند. این بازی کردن جمعی برای آنها لذت بخش تر و مفرح تر است. حتی ممکن است به بهانه انجام بازی، تعدادی از کافه نشین ها که پیش از این با هم غریبه بودند، با هم آشنا شوند و در بین آنها روابط دوستانه برقرار شود. در بسیاری از کافه ها انواع بازی های دونفره یا چند نفره طراحی شده اند که به صورت جمعی قابل انجام دادن هستند. بازی هایی مانند منج، شطرنج، ماروپله و بازی های فکری با استقبال افراد مواجه می شود. افرادی که به کافه ها می روند چه به صورت گروهی و چه دونفره از وسایلی که برای بازی وجود دارد، استفاده می کنند.

**وضعیت فضایی که برای پذیرش افراد در کافه ها تدارک دیده شده، چطور است؟ با توجه به تغییراتی که در مناسبات انسانی و نحوه استفاده از کافه ها ایجاد شده است.**

یکی از ویژگی هایی که در سال های اخیر در معماری کافه ها ایجاد شده، تأکید بر گشودگی آن به فضای بیرون و خیابان است. مادر دهه گذشته با کافه هایی مواجه بودیم که بیشتر از فضاهای دنج و تاریک برخوردار بودند و تعداد میزهای دونفره در آنها زیاد بود. اما در سال های اخیر کافه هایی را می بینیم که دیوارهای شیشه ای دارند و با خیابان مرز زیادی ندارند. یا خیلی از میزها در پیاده رو چیده می شوند. در بسیاری از کافه ها فضا به شکلی است که کانترهای پشت شیشه قرار گرفته تا افراد بتوانند با خیابان در ارتباط باشند. یعنی همزمان که در فضای کافه هستند با فضای بیرون هم ارتباط تنگاتنگ داشته باشند و خیابان در دیدرس آنها قرار داشته باشد. همچنین در این کافه ها تعداد میزهای دونفره کاهش یافته و در عوض تعداد بیشتری از میزهای بزرگ و چند نفره در آنها قرار گرفته. این تحولات نشان می دهد که کافه ها در بُعد طراحی و مصرف فضا دچار تغییرات مهمی در سال های اخیر شده اند. بنابراین یکی از ویژگی های دیگر کافه ها گشودگی آن به فضای عمومی است. می توانیم کافه را بخشی از حوزه عمومی در نظر بگیریم. جایی که افراد می توانند در آن حضور داشته باشند و با یکدیگر در تعامل اجتماعی باشند. آنها در این فضا در حالی درباره موضوعات مختلف گفت و گو می کنند که خود را بخشی از جامعه و اجتماع بیرون می بینند.

**با توجه به تنوع کافه ها و خدمات فرهنگی و اجتماعی آنها آیا هنوز بخش عمده ارائه خدمات کافه ها مختص قشر خاصی است یا عمومیت یافته؟**

نشانه ها و شاخص های زیادی وجود دارد که نشان می دهد کافه نشینی در شهرهای بزرگ تا حدود زیادی عمومیت پیدا کرده و رواج قابل توجهی پیدا کرده. بیشتر افرادی که از فضای کافه ها استفاده می کنند و به مصرف این فضا می پردازند از طبقه متوسط جدید هستند و بیشتر هم از قشر جوان. اگرچه از بین میانسالان و اقشار دیگر جامعه هم شاهد حضور در کافه ها هستیم.

**آیا سنت گرایان هم از کافه نشینی استقبال کرده اند؟**

به نظر نمی رسد رفتن به کافه ها و مصرف فضای آن بین سنت گرایان رواج داشته باشد هر چند در سال های اخیر شاید افزایشی در مراجعه به کافه ها در بین آنها دیده شده. اما به صورت کلی کافه نشینی متعلق به طبقه متوسط و به خصوص طبقه متوسط جدید است. پس به نظر می رسد قشرهای سنتی استقبال چندانی از کافه ها نمی کنند. بر اساس مطالعات جامعه شناسی که در سال های پیش انجام شده، بین کافه نشینی (در میان جوانان مناطق شمالی تهران) با مولفه های مختلف مصرف فرهنگی، ارتباط دیده شده. به این معنی که کسانی که به کافه می روند معمولاً همان افرادی هستند که بیشتر به تماشای فیلم می نشینند و به سینما و تئاتر می روند. آنها بیشتر در فضای مجازی حضور دارند و از کلاس های آموزشی زبان، موسیقی، یوگا و امثال آن استفاده می کنند. درصد قابل توجهی از آنها موسیقی گوش می دهند و مد را دنبال می کنند. همچنین مدیریت بدن در سبک زندگی آنها جدی است و استفاده از رژیم های غذایی، ورزش و جراحی های زیبایی و ... در بین آنها دیده می شود. این افراد به روابط زن و مرد خارج از قالب های سنتی معتقد هستند. همین طور در مورد سهم زن و مرد در کارهای منزل دیدگاه های برابری طلبانه تری دارند و نگرش های دینی و مذهبی آنها از قرائت های سنتی از دین فاصله دارد. وقتی درباره کافه نشین ها صحبت می کنیم بیشتر با چنین جمعیت و مولفه ها و مشخصه هایی مواجه هستیم که اغلب در طبقه متوسط جدید دیده می شود. البته همه کافه نشین ها از چنین ویژگی هایی برخوردار نیستند. بر اساس نتایج پیمایش مصرف کالاهای فرهنگی که موج سوم آن در سال ۱۳۹۸ انجام شد، حدود سی درصد از افراد در کل کشور گفته اند که از فضای کافه استفاده می کنند. این رقم می تواند در کل کشور قابل توجه باشد. اما در شهرهای بزرگ و کلانشهرهایی مثل تهران این میزان بالاتر است. به نظر می رسد کافه نشینی به خصوص در تهران و به ویژه در مناطق شمالی آن که دارای مولفه های ذکر شده است، رواج داشته و گسترش پیدا کرده است. شیوع کووید-۱۹ هم این روند رو به گسترش را با سرعت مواجه کرده و به آن دامن زده است. از این لحاظ که افراد بیشتری سعی می کنند قرارهای ملاقات خود را بیرون از محل های سر بسته مانند منزل و محل کار بگذارند و بیشتر در فضاهای راحت تری مانند کافه ها دور هم جمع می شوند.



## کافه کووید!

گفت و گو با دکتر ضا تسلیمی طهرانی، جامعه شناس فرهنگی درباره رونق کافه در دوران کرونا

در کدام محل دور هم جمع شوند. به عبارتی با ورود ویروس کرونا برپایی هرگونه دورهمی یکسری باید و نبایدهای تعریف شده دارد. به نظر می رسد که شیوع کووید-۱۹، روندی را که از پیش در مورد استقبال از کافه ها وجود داشته، شدت داده و باعث استقبال بیشتر شهرنشین ها از کافه ها شده است. درست است که بعد از شیوع کووید-۱۹ مراجعه افراد به کافه ها با افزایش مواجه شده، اما این پدیده ریشه در دوران قبل از شیوع کووید-۱۹ دارد. یعنی ما قبل از شیوع کووید-۱۹ هم با استقبال از کافه ها در بین قشرهای خاصی از شهرنشین ها به خصوص در کلانشهرها مواجه بودیم.

**کدام قشر از شهرنشین ها به کافه نشینی بیشتر روی خوش نشان می دادند؟**

استقبال از کافه ها در شهرهای بزرگ بیشتر در بین طبقه متوسط شهری یا طبقه متوسط جدید مشاهده می شود. دلیل این امر، آن است افرادی که به کافه ها می روند بیشتر به دنبال مصرف فضا هستند. کافه ها فضاهایی دارند که افراد طبقه متوسط جدید و جوانان این طبقه تمایل دارند این فضا را مصرف کنند. وگرنه مسلم است که هدف از رفتن به کافه ها صرفاً نوشیدن یک قهوه یا نوشیدنی یا خوردن یکبیک و خوراکی هایی شبیه به این نیست. بلکه مهم ترین هدف افراد این است که در فضایی به اسم کافه حضور پیدا کنند.

**مصرف فضای کافه برای پاسخ به چه نیازی انجام می شده و می شود؟**

افراد با حضور در کافه ها احساس تمایز تجربه می کنند. ممکن است احساس کنند که در آن فضای می توانند فردیت خود را به شکل بهتری به ظهور برسانند و با ایجاد مختلف آن فضا ارتباط برقرار کنند. آنها در فضای کافه می توانند با دوستان و اشخاصی که خودشان انتخاب کرده اند به گفت و گو بپردازند. همین طور با کسانی ارتباط برقرار کنند که با آنها اشتراکات فکری یا سلیقه ای یا سبک زندگی مشابهی دارند.

**جنس استفاده شهروندان از کافه ها هم به گفته کافه داران تغییر کرده است. یعنی مشتری ها از حالت زوج به جمع های دوستانه تبدیل شده اند.**

به نظری می رسد بر بُعد حضور گروهی و جمعی در کافه ها افزوده شده. این حضور، بیشتر از جنس حضور دوستانه است. همچنین، بسیاری از خانواده ها ترجیح می دهند در فضایی غیر از منزل از میهمانان خود پذیرایی کنند. البته این روند قبل از شیوع کووید-۱۹ هم معمول بود. علت آن هم گرفتاری ها و مشغله های کاری افراد خانواده در شهرهاست. تصور افرادی که میهمانی خود را در کافه ها برگزار می کنند، این است که به این صورت بهتری می توانند از میهمانان خود پذیرایی کنند، بدون آنکه بخواهند زمانی را صرف آماده کردن مواد غذایی کنند. نکته مهم تر این است که می توانند در فضایی متمایز به نام کافه حضور داشته باشند و به این طریق فردیت و هویت خود را بازسازی کنند. بنابراین ما شاهد برگزاری میهمانی هادر کافه بوده و هستیم.

**یعنی میهمانی های خانوادگی هم به سمت کافه ای شدن پیش می رفته و این روند بعد از کووید-۱۹ تقویت شده؟**  
تعداد میهمانی های خانوادگی در کافه ها خیلی کمتر است. در عوض میهمانی های دوستانه در فضای کافه به مراتب بیشتر انجام می شود. به هر حال امروزه یکی از کارکردهای کافه ها برگزاری

میهمانی هایی است که از سوی اعضای مختلف خانواده، جوانان و میانسال ها برپا می شود. همین طور شاهد برگزاری جشن های تولد و ... در کافه ها هستیم. گاهی افراد -چه در جمع های دوستانه و چه خانوادگی- ترجیح می دهند که تولد اعضای خانواده یا دوستان را در کافه ها برگزار کنند. این نشان دهنده اهمیت فضای کافه ها و یکی از کارکردهای آن است. در کنار آن می تواند نشان دهنده این باشد که افراد به جای صرف وقت و انرژی در منزل برای تدارک مقدمات، مراسم را در کافه ها با پرداخت مبلغی برگزار می کنند. این درخواست از سوی کافه دارها هم پاسخ داده می شود. وجود لوازمی مانند شمع، فشفشه، یکبیک تولد و پخش موسیقی مناسب تولد برای این مراسم در کافه ها نشان از این موضوع دارد.



**بر اساس نتایج پیمایش مصرف کالاهای فرهنگی که موج سوم آن در سال ۱۳۹۸ انجام شد، حدود سی درصد از افراد کل کشور از فضای کافه استفاده می کنند. در شهرهای بزرگ و کلان شهرها این میزان بالاتر است.**

**کافه نشینی به خصوص در تهران و به ویژه در مناطق شمالی آن، رواج داشته و گسترش پیدا کرده است. شیوع کووید ۱۹ هم این روند رو به گسترش را با سرعت مواجه کرده و به آن دامن زده است.**

**مناسبات انسانی پیش از شیوع کووید-۱۹ هم در کلانشهرها تغییر کرده بود؟**

روابط انسانی همیشه در حال تغییر هستند. این تغییرات در شهرهای بزرگی مثل تهران و شهرهای دیگر با سرعت بیشتری انجام می شود. در سال های اخیر افراد بیشتری از کافه ها استقبال کردند. تعداد کافه ها بیشتر شده و فضای کافه ها هم گسترده تر شده است. حالا افراد هم به صورت فردی و هم گروهی در کافه ها حضور پیدا می کنند. خیلی از افراد ترجیح می دهند کارهای شخصی شان را در کافه ها انجام دهند. این افراد به همراه یک لپ تاپ، دفترچه و قلم به کافه می روند و مشغول انجام کارهای شخصی خود می شوند. آنها به جای آنکه در خانه خود و در تنهایی بنشینند، ترجیح می دهند که در یک فضای عمومی و جایی که افراد رفت و آمد دارند، حضور داشته باشند. این امکان وجود دارد که در چنین فضاهایی با افراد دیگر هم آشنا شوند و با دیگران وارد تعامل اجتماعی شوند. افراد زیادی هم به صورت گروهی و با جمع دوستان خود در کافه ها حضور پیدا می کنند. آنها ساعت ها در همین فضا درباره مسایل مختلف با هم گفت و گو می کنند و در تعامل اجتماعی قرار می گیرند. کافه نشین ها در عین حال که فردیت خود را حفظ می کنند، روابط اجتماعی خود را هم گسترش می دهند.

**تطابق کافه ها با این استقبال چگونه انجام شده است؟**





# کافه باز

## گفت و گو با علی سزاوار (باریستا) درباره کافه، فرهنگ کافه نشینی و استقبال مردم از این فضا در دوره کرونا

اوائل این طور بود که کلا باید می بستند، اما همان زمان هم یک سری ها باز بودند، بعد از یک مدت گفتند به صورت بیرون بر می توانند خدمات داشته باشند که مردم جلوی در کافه ها جمع می شدند. ولی خیلی زمان ها کافه هایی که برخیا بان نبودند باز بودند و بهداشت هم خیلی نمی توانست به اینها برسد، پیدایشان بکند یا مثلا حالا ایرادی به آنها بگیرد. ولی بودند کافه هایی که باز بودند.

**به عنوان آخرین صحبت می خواهم بپرسم که مشتری بد به نظر شما چه کسی است؟**

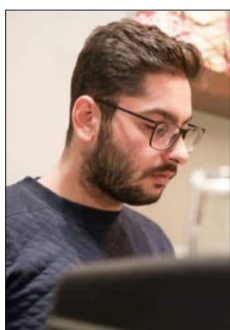
چیزی که الان در سوشیال مدیا هم بگردید می بینید خیلی باب شده، فرهنگ کافه نشینی است. یک مثال خیلی ساده بزنم؛ خیلی از مشتری های می آیند شروع می کنند به صحبت کردن و سفارش نمی دهند. یعنی صحبت شان را ادامه می دهند یا کارشان را انجام و بعد سفارش می دهند. خوب این یک تفکر غلط است؛ کسی که به کافه می آید باید اول سفارش بدهد، بعد شروع کند به صحبت یا کار کردن با گواشی یا هر چیزی. مورد دیگر همان چیزی است که گفتیم. فرد به عنوان یک باریستا یا کسی که در کافه کار می کند، باید همیشه خوشامدگویی داشته باشند، ولی بعضی از مشتری ها همه مشکلات شان را می آورند در کافه و انرژی بدی به کسانی که در کافه کار می کنند منتقل می کنند. این باعث می شود که انرژی باریستا، انرژی مدیر یا هر کسی که در کافه کار می کند، پایین بیاید. گاهی هم بعضی ها با خودشان غذا یا مثلا خوراکی می آورند تا در کافه میل کنند؛ این از نظر یک مدیر یا کسی که در کافه کار می کند، کار غلطی است. نه اینکه ما دوست نداشته باشیم چیزی بخورند؛ مساله این است مسئولیت تمامی چیزهایی که در کافه سرو می شود، به عهده مدیر مجموعه است. اگر مشکل غذایی برای فرد به وجود بیاید، ما پاسخگو هستیم. در مورد فرهنگ کافه نشینی البته مسائل فراوان وجود دارد که من صرفا محض نمونه چند تا بی مثال آوردم.

**خطره ای داری از موارد عجیبی که در کافه برایت اتفاق افتاده؟**

اتفاقات زیادی در کافه می افتد. گاهی می بینید عده ای آنجا با هم دعوا می کنند، عده ای همان جا با هم دوست می شوند. اتفاق بد هم زیاد دیده ام. مثلا اتفاق بدی که یادم بیاید، یکی این است که دو نفر در کافه نشسته بودند و سرفضیه ای با هم مشکل داشتند. ناگهان آن آقا دچار شوک عصبی شد و بی هوش شد. ما هم ناچار زنگ زدیم آمبولانس آمد و آن آقا را منتقل کردیم بیمارستان. بعد متوجه شدیم کار مثل اینکه رسیده بود به پلیس. در اداره آگاهی گویا این آقا گفته بود که اینها در نوشیدنی من چیزی ریخته بودند. خلاصه آمدند دوربین را چک کردند و... اینها مشکلاتی است که گاهی ایجاد می شود. گاهی هم البته اتفاقات خوب می بینید. آدم هایی را می بینید که اینجا با هم آشنا می شوند و دوست می مانند. همین الان من کسانی را می شناسم که مثلا چهار پنج سال با هم رفیقند فقط به صرف اینکه در یک لحظه در یک مکان، باهمدیگر یک خوردنی یا یک قهوه سفارش دادند و الان که دو نفری با هم می آیند کافه، ما از دیدن شان خوشحال می شویم. دوستی هایی ایجاد دیده ام که من تجربه ازدواج شده، مشتری هایی داشتیم که با هم ازدواج کردند. این اتفاقات خیلی حال مان را خوب می کند. در کل من همیشه به کافه به عنوان مکانی نگاه می کنم که اتفاقات مثبتش خیلی بیشتر از اتفاقات منفی است.

**ممنون از توضیحات خوب شما. با تسلط و جالب صحبت کردید. سوالی که برایم پیش آمد این است که این روزها به نظر شما چند درصد از کافه دارها تسلط های لازمی را که از آن صحبت کردید، دارند؟**

فضا خیلی بهتر شده؛ یعنی نسبت به ۱۲، ۱۰ سال پیش دیگر به این شغل به عنوان یک حرفه تخصصی نگاه می کنند. ۱۰ سال پیش همه چیز به صورت تجربی بود. ما کلاسی با برنامه ای برای یادگیری نداشتیم؛ برنامه ای که یک باریستا برود در آن شرکت کند و مسائل مربوط به حرفه اش را یاد بگیرد. ولی در این ۱۰ ساله که گذشت، کم کم به عنوان یک حرفه تخصصی به آن نگاه شد. الان طوری شده کافه ها در موضوعات انتخاب باریستا و اعضای کارکنانش کاملا هزینه می کنند. قطعا آورده بیشتری هم دارند و مشتری های بیشتری پیدا می کنند. اگر بخوایم اسم بزنم ما الان آقای محمد محمدی را داریم، آقای حافظ صفایی را داریم و کسانی که واقعا دارند علم شان را نشر می دهند؛ هم به صورت رایگان و هم به صورت کلاس و دوره های آموزشی. فضا واقعا حرفه ای تر شده و می دانیم که چقدر هم جا باز کرده کافه بین مردم. شاید ۱۰ سال پیش کسی به فکر این نبود که صبح قهوه بخورد و برود سر کار، اما امروز فرهنگ کافه نشینی خیلی بیشتر از گذشته جا باز کرده بین مردم.



در سه چهار سال اخیر، فضای کافه ها به سمت خانه های قدیمی رفته؛ فضایی که حوضی دارد و آب نما و دار و درخت، در واقع مردم می خواهند یک

مقدار از فضای مدرن به بیرون بیایند و تم سنتی تر را تجربه کنند. یک زمانی فرحزاد خیلی مد بود که بعدا کم رنگ شد. اما حالا همان تم فرحزاد را در شکل و شمایل شیک تر و تمیز تر و مرتب تر می خواهند.

باشد و به اصطلاح صفا بی داشته باشد. این نوع کافه ها الان به مردم روحیه و انرژی بالایی می دهد. البته عده ای هم ممکن است دوستش نداشته باشند ولی الان من دارم درباره ذائقه عمومی مردم در این زمینه صحبت می کنم.

**در واقع تعبیر شما این است که الان دیگر به کافه صرفا به عنوان یک مکان صحبت کاری یا ارتباطی نگاه نمی کنند؟**

بله. گاهی تنها هم شده می روند در کافه ها می نشینند. برایشان حال خوبی دارد که فضایی با طراحی یک خانه قدیمی حیاط دار ببینند؛ نوعی نوستالژی برایشان ایجاد می کند؛ اینکه صدای آبی بیاید و به نوعی احساس کند از آن فضای شهری فاصله گرفته اند. آن نوع کافه های شهری دیگر عموما برای مردم خسته کننده شده.

**این نوع کافه ها به خصوص در دوره کرونا در بیشتری داشتند. من حتی شنیدم مردم با وجود کرونا و محدودیت ها همچنان کافه رفتن های اینجینی را دنبال می کردند. خود هم دوسه باری رفتیم دیدم درست است که جمعیت کافه کمتر شده ولی همچنان استقبال مشتری از آنها وجود دارد. چقدر این قضیه درست است؟**

کرونا که شروع شد و قرنطینه هایی که ایجاد شد شرایط تفاوت هایی پیدا کرد. من البته نمی خواهم وارد سیاست های مختلف تصمیم گیری در این زمینه شوم که چقدر شرایط کسی، کافه ها را تحت تأثیر قرار داد، اما صحبت من این است که کافه و رستوران در حال حاضر تبدیل به یکی از تفریحات لاینفک مردم شده است. مردم تفریح جذاب تر از این نمی توانند پیدا کنند؛ مخصوصا زمانی که سینما بسته بود. کافه ها در این ایام مدتی قانون بیرون بر را اجرا کردند اما مردم باز می رفتند جلوی در کافه می ایستادند و نوشیدنی می خوردند. این باعث می شد اجتماعی شکل بگیرد و با ذات انسانی هم عجین بود. طبیعتا انسان موجودی اجتماعی است و دوست دارد بین همونعاش باشد؛ چه غریبه، چه آشنا. با همه این تفاسیر به خاطر کرونا و اخبار ضد و نقیضی که اوائل زیاد درباره آن می شنیدیم، مردم باز هم رجوع می کردند؛ اخباری نظیر اینکه ویروس روی هوا می ماند، روی اجسام چند ساعت می ماند، فاصله اجتماعی باید برقرار کرد و تمام مباحث بهداشتی دیگر. با این حال من به شما می گویم مردم باز هم رجوع می کردند و به صورت غیر قانونی بعضی جاها باز بود، درها را می بستند ولی پنجره ها باز بود تا مردم ترس شان کمتر باشد و بیایند. البته مشتری های کافه ریزش داشتند اما استقبال از آن همچنان وجود دارد.

**چون به هر حال کافه هایی که زیاد در چشم نبودند، باز می گذاشتند تا مشتری هایشان را داشته باشند.**

**خودتان همیشه شرایط روحی روانی تان را در برخورد با مشتری حفظ می کنید؟**

تلاش من این است حداقل.

**یعنی واقعا می توانید همه چیز را بگذارید بیرون و بعد بیایید مقابل مشتری بایستید؟**

کنترل کردن این قضیه خیلی سخت است. شما در هر شغلی هم که باشید، همین است؛ می گویند مشکلات را بگذار پشت محل کارت و بعد وارد محل کارت شو. من هم تلاش می کنم این طور باشم.

**یک مورد دیگر گفتید درباره پذیرایی کردن. این موضوع را دوست دارید؟**

اینکه پذیرایی در این شغل وجود دارد برایم خیلی خوشایند است ولی اینکه چقدر اجرایی می شود، نسبی است. خودم هم نمی توانم رویش در صدم بگذارم. باید آنهایی که یا با من کار کردند یا به عنوان میهمان آمده اند، نظر بدهند.

**در این مدت کرونا نگرفتید؟**

نه خدا را شکر. یعنی تست نداوم و علائم هم نداشتم.

**در این مدت که ذائقه های مختلف مراجعان را دیده ای - از نحوه برخورد و سفارش دادن گرفته تا شیوه انتخاب - فکری کنی مردم الان چه کافه هایی را بیشتر دوست دارند؟ چه شکلی دوست دارند بیایند؟ می خواهم بدانم چقدر این تغییر ذائقه وجود داشته نسبت به یک دهه پیش؟**

نسبت به فضایی که ۱۰ سال پیش بوده و الان هست اگر بخواهیم نگاه بکنیم؛ چند مورد به نظرم می رسد. مثلا او اخر دهه هفتاد یا اوایل دهه هشتاد کافه ها متر از های پایینی داشتند، خیلی به اصطلاح کم نور بودند و کوچک. البته آن زمان کوچک بودن شان را به دنج بودن تعبیر می کردند. ولی بعد از آن قضیه بیرون آمدیم و ذهنیت عمومی کافه های دیگری را می پسندید؛ کافه های بزرگ، فضای وسیع، میزی که به اسم میز اجتماعی (سوشیال) طراحی شده بود تا همه دوران میز با آدم هایی که همدیگر را نمی شناسند بنشینند. این آدم ها در چنین فضایی ممکن بود با هم ارتباط بگیرند یا اینکه ارتباطی نداشته باشند و صرفا کار خودشان را انجام بدهند. بعد از این فضا رسیدیم به کافه های حیاط دار. الان در سه چهار سال اخیر، فضای کافه ها به سمت خانه های قدیمی رفته؛ فضایی که حوضی دارد و آب نما و دار و درخت. البته من درباره تهران نظرمی دهم؛ هر چند شهرهای دیگر هم این قضیه را دارند و مستثنی نیست. در واقع مردم می خواهند یک مقدار از فضای شهری خارج شوند، از این مدرنیته می خواهند یک مقداری بیرون بیایند و تم سنتی تر را تجربه کنند. یک زمانی فرحزاد خیلی مد بود که بعدا کم رنگ شد، اما حالا همان تم فرحزاد را در شکل و شمایل شیک تر، تمیز تر و مرتب تر می خواهند.

**به خصوص فکرمی کنم در دوره کرونا این فضای باز، خیلی بیشتر کمک کار بود.**

در دوران کرونا کافه های حیاط دار توانستند از این فرصت استفاده کنند و باز باشند. البته مدتی قرنطینه به شدت اجرامی شد و حتی کافه های حیاط دار هم نمی توانستند باز باشند ولی مردم الان دوست دارند این فضاها را. البته طبیعتا وقتی داریم در مورد کافه صحبت می کنیم، من عموم جامعه را مد نظر دارم. الان بخش زیاد و قابل توجهی به کافه های حیاط دار علاقه مند شده اند. من خودم نه به عنوان باریستا، به عنوان کسی که می روم و در کافه های مختلف می نشینم، این را حس می کنم که کافه تبدیل به یکی از تفریحات مردم شده است.

**فکرمی کنی دلیلش چیست؟**

بیشتر همان موضوعی است که مطرح کردم. می خواهند یک مقدار از آن کافه های زرق و برق دار شمال تهران بیرون بیایند؛ حوضی

**باز نوروزی** قدیم ها جای دنج می خواستیم؛ جایی دور از آدم ها، خلوت، در سکوت و بی سرو صدا. کم کم اما فضای کافه ها به سمت تجمع حرکت کرد. مردم دیدن آدم های آشنا و غریبه را دور هم ترجیح می دادند. بعد هم که رفتیم به سمت کافه های وسیع تر؛ فضایی با حال و هوای خانه ای سنتی، حوض، آب نما، گل و گیاه، باغچه و گاهی حتی فواره؛ نوستالژی این روزهای مردم شهر همین چیزها شده. هر چند کرونا در کافه رفتن های مردم هم دخیل بود و مخرب اما علی سزاوار، در این گفت و گو درباره کافه هایی می گوید که در دوره کرونا هم مشتری شان را از دست ندادند؛ همین طور درباره تغییرات ذائقه کافه روها، فرهنگ کافه نشینی و اتفاقات خوب و بدی که در کافه های افتد.

**اول از اینجا شروع کنیم که شما در این کار به چه عنوانی شناخته می شوید؟**

من به عنوان یک «باریستا» شناخته می شوم. این اصطلاحی است که شاید کمتر از ۱۰ سال است باب شده. قدیمی ترها به آن می گفتند کافی من ولی الان به آن می گویند بارمن. «باریستا» ولی واژه ای ایتالیایی است به معنای کسی که بار مدیریت می کند. البته الان دیگر در بخش باریستایی کار نمی کنم. در حال حاضر به عنوان سوپروایزر کافی شاپ یا چیزی که به نام کافه مصطلح است، مشغول به کارم. چون کافی شاپ بیشتر برای استور (فروشگاه) به کار می رود، ولی کافه به جایی گفته می شود که محل جمع شدن آدم های مختلف در گروه های سنی مختلف است؛ جایی که چیزی بخورند و در مورد مسائل مختلف صحبت کنند. «باریستا» به مفهوم عام همان کسی است که در فضای کافه برجسته تر از دیگران به چشم می آید؛ کسی که نوشیدنی ها را سرو می کند و به سفارش ها رسیدگی می کند. باریستا را به همان عنوان کافی من و بارمن و اینها هم می شناسند. این می شود جایگاه شغلی من در کافه.

**چند سال باریستا بودید؟**

تقریبا هفت سال.

**در جاهای مختلف؟**

بله، جاهای مختلفی بوده ام.

**شغل سختی است؟**

تقریبا همه شغل ها را که از دور نگاه می کنید، جذابیت خاصی دارد. باریستا هم به همین شکل. می گویند باریستایی جذاب است؛ یک شیر قهوه سرو می کنی (باریستا به آن می گوید لته)، با خوراک سرو کار داری، شوق و ذوقی در آن وجود دارد و... اما از دور جذاب است. وقتی وارد این حرفه می شوی می بینی باید هشت یا ده یا دوازده ساعت سرپا بایستی و در هر شرایطی باید لبخند بزنی، خوشامدگویی کنی و در کل باید عاشق پذیرایی کردن باشی. دقیقا مثل کسانی که شیفته این هستند در خانه شان همیشه به روی میهمان باز باشد، باید عاشق پذیرایی کردن باشی. کسی که در کافه کار می کند - در هر عنوان و شغلی - باید عاشق پذیرایی کردن باشد. یعنی هر مشکلی که داری باید بگذاری کنار و خوشامدگویی، برخورد شایسته داشته باشی، با روی خوش خدا حافظی کنی، نظرهاش را در مورد آن نوشیدنی یا غذایی که سرو می شود پیگیری و... سختی کار اینهاست؛ یعنی بخشی از دشواری این کار فیزیکی و بخش دیگر آن روانی است. فیزیکی زمانی است که تو باید مدام سرپا باشی؛ ۱۰، ۹، ۸، ساعت و حتی بیشتر. بخش روانی و اصطلاحا روحی آن هم این است که همیشه باید با روی خوش برخورد کنی. ایده آلش این است. البته شاید همه جا چنین چیزی نبینید ولی درستش این است. به خاطر همین، سختی خودش را دارد. تعطیلی ندارد. زمانی که عید است و همه برای دید و بازدید رفته اند خانه های همدیگر، تو باید سر کار باشی؛ ایامی که به شادی است، تو باید سر کار باشی. چون تأکید می کنم، کافه حالا فضایی است که تبدیل به یکی از مکان های مهم تفریح مردم شده؛ حداقل در ایران که این طور است.